

از آدم تا عیسی

خلاصه داستانهای پیامبران

آیا شما می خواهید خدا را بشناسید؟ کتاب مقدس می گوید که خدا کی هست. و داستانهای پیامبران در کتاب مقدس به ما می گویند چه چیزهایی خدا می خواهد در باره او بدانیم و چطور ما می توانیم نزد او بیاییم. خدا از ما می خواهد درک کنیم که او مقدس هست و ما (مردم گناهکار) نمی توانیم به او نزدیک شویم مگر از راهی که او فراهم کرده. پیامبران به ما میگویند که چه راهی خدا تهیه کرده است.

«خداوندا، لطفاً به من کمک کن تا تو را بشناسم و پیغام کتاب مقدس را به واضح درک کنم. لطفاً چشمان من را باز کن که بتوانم پیغام تو را درک کنم. متشکرم. آمین.»

کتاب مقدس ادعا میکند که کلام خداوند است (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶)؛

و ابدی است (مزمور ۱۱۹: ۸۹).

پیامبران مردمی بودند که کلام خدا را نوشتند، یعنی، آنها نوشتند آنکه خدا گفت – آنکه خدا میخواست مردم در باره خود او بدانند (عبرانیان ۱:۱). پیامبران اشخاصی بودند که کلام خدا را به مردم رساندند. (پیام آنها بعضی مواقع در باره چیزهای آینده بود، اما خیلی اوقات پیام آنها درباره راههای زندگی است که خدا از ما انتظار دارد).

در آغاز، خدا ...

خدا ابدی است؛ او همیشه بوده و همیشه خواهد بود (پیدایش ۱:۱)؛
مزمور ۲:۹۰؛ پیدایش ۲۱:۲-۵). خدا چندین نام و لقبهایی دارد. اینجا ۳ تا از آنها:

- هستم (خدا به هیچ چیز و به هیچ کس احتیاج ندارد (خروج ۳:۱۴)

- خداوند (ارمیا ۱۰:۶)

- خدای متعال (حکمران مطلق) (مزمور ۱۸:۸۳)

فقط يك خدا هست (اشعیا ۴۵:۵؛ اشعیا ۴۳:۱۰؛ اشعیا ۴۴:۶).

خدا روح است؛ بدن جسمی مانند ما ندارد (یوحنا ۴:۲۴).

فرشتگان و لشکرهای آسمانی

ارواح بیشمار هستند (عبرانیان ۱۲:۲۲؛ مکاشفه ۵:۱۱).

آنها چندین اسم انفرادی و جمعی دارند:

میکا ئیل، جبرائیل، کرب، کروییان، سراف، سرافیون (نحمیا ۹:۶).

آنها آفریده شدند که به خدا خدمت کنند (مزمور ۱۰۳: ۲۰-۲۱؛

عبرانیان ۱:۱۴).

آنها آفریده شدند با اراده خود و قادر بودند که انتخاب کنند.

آنها آفریده شدند با قدرت بیشتر و باهوشتر از مردم (مزمور ۸:۵).

آنها آفریده شدند که خدا را پرستش کنند (نحمیا ۹:۶).

فرشتگان خوشی کردند وقتی تماشا کردند خدا فقط با سخن گفتن همه

چیز را از هیچ چیز آفرید (ایوب ۳۸: ۴-۷؛ پیدایش ۱-۲؛ مزمور ۳۳: ۶-۹؛

عبرانیان ۱:۳).

آسمان و زمین

در روزهای ۱-۵ آفرینش خدا محیط شگفت انگیزی برای زندگی مردم

آفرید.

در روز ۶ خدا دوباره سخن گفت و انسان را شبیه خود آفرید (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷). ما انسانها مانند آینه ای هستیم که خدا را منعکس می کنیم برای اینکه خدا ما را شبیه خود آفریده است. برای مثال ما داریم:

- فکر (هوش , فهم , عقل) - با وجود این ما همه چیز را نمیدانیم و

دانشی که داریم باید یاد بگیریم

- احساسات (دلسوزی , مهربانی , غم , خشم به بی عدالتی)

- اراده (قادر بودن به تصمیم گرفتن)

ما مانند خدا روح هستیم , ولی ما در بدن جسمی زندگی می کنیم (پیدایش ۲: ۷).

آدم و حوا فرصت داشتند که تصمیم بگیرند وقتی خدا دو درخت مخصوص در باغ عدن به آنها نشان داد (پیدایش ۲: ۹ , ۱۶ , ۱۷). انسان آفریده شد که عظمت و جلال خدا را منعکس کند و با اطاعت از خدا به او احترام بگذارد (مکاشفه ۴: ۱۱). انسان دوست خدا بود (پیدایش ۳).

اراده. خلقت خدا خیلی خوب بود. خدا هرگز چیزی را با نقص یا بد

خلق نمی کند. در باغ عدن درد، مریضی، نزاع، جنگ، مرگ وجود نداشت. در آنجا بین خدا و آدم و حوا مشارکت و دوستی قشنگی بود. باغ عدن جای کامل و بی عیبی برای زندگی بود. اما خلقت کامل و بی عیب خداوند به خاطر گناه آدم و حوا خراب شد. بنا براین ما اکنون درد، مریضی، نزاع، جنگ و مرگ داریم. دنیا دیگر جای خیلی خوبی نیست. چه اتفاقی افتاد؟

گناه (غرور). ستاره بامداد (قویترین فرشته) خیلی قشنگ و عاقل بود. او هم در باغ عدن بود (حزقیال ۲۸:۱۳). اما او با اراده آزادانه ای که خدا به او داده بود مغرور شد. او می خواست آسمان را حکمرانی کند و او میخواست مانند خدا بشود (اشعیا ۱۴:۱۲-۱۴). او ضد خدا یاغی کرد.

داوری (قضاوت). خداوند مقدس است و در قدوسیت گناه وجود ندارد. بنا براین خدا نمی تواند یاغیگری شیطان را تحمل کند. بنا براین خدا او را از مقامش در آسمان بیرون کرد (حزقیال ۲۸:۱۶-۱۷) و او را روی زمین انداخت. يك سوم فرشتگان او را دنبال کردند (مکاشفه ۱۲: ۳-۹).

بعد از آن نام او شیطان، ابلیس شد و فرشتگانی که او را پیروی کردند دیوها و ارواح پلید هستند. در آینده شیطان به آتش ابدی جهنم خواهد رفت و او تا ابد عذاب و زجر خواهد دید (متی ۲۵: ۴۱، مکاشفه ۲۰: ۱۰)

جنگ. خدا به شیطان و دیوها اجازه داده که قدرت و هوش خود را نگه دارند بعد از اینک از آسمان بیرون شدند. آنها اکنون دشمنان خدا هستند. شیطان سعی کرد با قصد خدا مخالفت کند و حمله کرد به انسان، خلقت زیبای خدا. این راهی بود که شیطان با خدا جنگ کرد:

گناه. شیطان حوا را فریب داد (با مخلوط کردن حقیقت با دروغها) که حوا فکر کند او مانند خدا خواهد شد. آدم و حوا از خدا اطاعت نکردند. آنها از میوه درختی خوردند که خدا قدغن کرده بود (پیدایش ۳: ۱-۶).

مشارکت و دوستی قطع شده. دوستی آدم و حوا با خدا در آن وقت به خاطر گناه و تقصیر و شرمساری قطع شد. آدم و حوا سعی کردند تقصیر خودشان را با پوشانیدن خودشان با برگهای انجیر درست کنند.

اما این البته کافی نبود (پیدایش ۳: ۷-۸).

داوری. داوری خداوند به دلیل گناهان آدم و حوا نه تنها بر آنها اثر

کرد، بلکه همچنین بر نسلهای آینده و بر تمام زمین:

خدا انسانها، زمین و تمام آفرینش را نفرین کرد. بنابراین ما حالا

درد، مریضی، زلزله، انواع عذاب و محصولات بد داریم.

مرگ نتیجه گناه مردم بود (رومیان ۶: ۲۳):

مرگ بدن انسان. ما همگی داریم بتدریج می میریم اگر چه

بدنهای ما چند سالی زنده می ماند (مزمور ۱۰۴: ۲۹).

مرگ بین رابطه مردم با خدا (افسسیان ۲: ۱)، یعنی اینکه ما

از خدا جدا شده ایم (اشعیا ۵۹: ۲؛ کولسیان ۱: ۲۱).

بعد از آنکه يك شخصی می میرد، او از خدا برای همیشه

جدا می شود به دلیل گناه (مکاشفه ۸: ۲۱).

مرگ بر خوشی و شادی آینده. (خدا می خواست مردم از

بهشت که جایی شگفت آور و قشنگ است لذت ببرند،

اما به دلیل گناه آن خوشی دیگر ممکن نبود

(مکاشفه ۲۰:۱۱-۱۵).

قول خدا. با وجود گناه مردم و داوری خداوند نسبت به ما، خدا ما را بی امید ترك نکرد. خدا قول داد که يك مرد (مسیح) از نسل حوا شیطان را شکست خواهد داد و مردم را از شیطان نجات خواهد داد.

مشکل مردم. ما باید به خاطر گناهانمان مجازات بشویم (حزقیال

۲۰:۱۸).

ما می توانیم بامرگ خود آن را پرداخت کنیم و تا ابد در آتش جهنم مجازات شویم، یا ما می توانیم جانشینی که خدای بخشنده برای ما تهیه کرده قبول کنیم (یعنی مرگ يك شخص دیگر به جای ما).

آدم و حوا. خدا نمی توانست برگهای انجیر که آدم و حوا خود را پوشاندند قبول کند. بنابراین خدا يك حیوان را کشت و لباسهایی از پوست آن حیوان تهیه کرد و آدم و همسرش را پوشانید (پیدایش ۳:۲۱).

قائن و هابیل. خدا قربانی هابیل که حیوان بود قبول کرد اما محصول زمین از قائن را قبول نکرد. زیرا «بدون ریختن خون هیچ گناهی بخشیده نمی شود (عبرانیان ۹:۲۲؛ لایان ۱۷:۱۱). از راه ایمان بود که هابیل دستور خدا را اطاعت کرد و مرد درستکار به حساب آمد. قائن راه خود را انجام داد، اما شکست خورد (عبرانیان ۱۱:۴).

قربانی کردن حیوان واقعاً گناه را پاک نکرد اما پوششی (مانند لباس) برای گناه بود و آن یک تصویری بود از آن چه که لازم بود برای بخشش گناهان: مرگ و ریختن خون. آیا شما به یاد دارید که چطور خدا یک حیوان را کشت تا لختی آدم و حوا را بپوشاند؟ قربانی حیوان در ظاهر حقیقت داخلی را شرح می دهد که آن شخص به خدا ایمان دارد. به خاطر اعتماد مردم به خدا بود که خدا راهی تهیه کرد برای نجات مردم از داوری و دوستی مردم با خدا تعمیر شود. مردم هنوز به دلیل گناه جسمی می میرند، اما از خدا جدا نخواهند بود و در آتش ابدی جهنم مجازات نخواهند شد.

شیت. قائن هابیل را کشت و بعد مجبور شد خدا را ترك کند. آدم و حوا دیگر فرزند درستکار نداشتند. اما خدا يك پسر دیگر به نام شیت به آنها داد. اگر چه شیت نفرین مرگ و طبیعت گناهکار را از آدم و حوا وارث شد، او مانند برادرش هابیل به خداوند توکل کرد. بعداً خدا نجات دهنده موعود (مسیح) را از نسل شیت فرستاد. خدا قول خود را نگاه داشت.

نوح. بعد از تولد شیت، نسلهای آدم و حوا خیلی غرق در گناه بودند و دائماً بسوی گناه می رفتند. با لایحه خدا (در قدوسیت خود) مردم را دوباره داوری کرد. او به تمام کره زمین سیل فرستاد. فقط نوح (يك مرد درستکار) و خا نواده او از این سیل نجات پیدا کردند (پیدایش ۸:۶-۱۰)، به دلیل آن که آنها اطاعت کردند و کشتی را ساختند و در آن به همراه حیوانات جفت جفت نر و ماده داخل شدند (پیدایش ۷:۱-۱۳، ۱۶). خداوند در رحمت خود به مردم گناهکار ۱۲۰ سال وقت داد که توبه کنند و از این فرصت راه نجات خدا استفاده کنند. اما مردم آن را رد کردند. بعد از اینکه خدا در کشتی را بست، دیگر دیر شده بود که آنها تصمیم خود را عوض کنند. آنها در سیل غرق شدند. بعد از سیل آنها بالاخره

خشك شد و نوح و خانواده اش و حیوانات از کشتی بیرون آمدند. اولین کار پیغمبر نوح پرستش خدا بود و خدا را برای نجات شکرگزاری کرد. اوچند تا حیوان پاك (مانند گوسفند) قربانی کرد. خدا راضی شد و قول داد که هرگز تمام زمین را با سیل نابود نخواهد کرد. نشانه آن عهد جاودانی رنگین کمان بود (پیدایش ۹: ۹-۱۳).

برج بابل. دویاره صدها سال گذشت و جمعیت مردم در زمین زیاد شد. خدا به پیغمبر نوح و پسرانش گفت بارور و زیاد شوید و زمین را پر سازید (پیدایش ۹: ۱). اما مردم می خواستند راه خود را پیش روند و دريك شهر بزرگ زندگی کنند. مردم تصمیم داشتند که خود را مشهور و مهم بکنند (پیدایش ۱۱: ۴). این نافرمانی از دستورات خدا بود. بنابراین خدا آنها را قضاوت کرد بوسیله تغییر دادن زبان آنها تا سخن یکدیگر را نفهمند. این اختلاف زبانها موجب شد که خدا ایشان را روی زمین پراکنده سازد. آنها مجبور شدند که دستور خدا را اطاعت کنند و روی تمام زمین پراکنده شوند و زندگی کنند.

ابراهیم. بعد از چندین نسل خدا که قولش را فراموش نکرده بود که يك نجات دهنده می فرستد. او يك زن و شوهر بی فرزند انتخاب کرد (ابرام و سارای) که جد نجات دهنده باشند. اگر چه تمام خانواده ابرام بت پرست بودند. ابرام تصمیم گرفت که خدایی که آسما نها و زمین را آفریده پرستش کند. خدا او را برکت داد و ۴ قول مخصوص به او داد:

(۱) من تو را پدر امت بزرگی می دانم.

(۲) من نامت را بزرگ می سازم و تو مایه برکت خواهی برد. (خدا اسم ابرام را به ابراهیم عوض کرد).

(۳) من آنانی که به تو خوبی کنند برکت می دهم و آنانی را که به تو بدی نمایند لعنت می کنم.

(۴) همه مردم دنیا از تو برکت خواهند یافت. (پیدایش ۱۲: ۱-۳).

ما می توانیم قول نجات را در قول چهارم ببینیم. پیامبر ابراهیم به خدا اعتماد کرد و به همین سبب خداوند از او خشنود شد و او را پذیرفت (پیدایش ۱۵: ۱-۶).

اسحاق. سرانجام, بعد از چندین سال, بعد از این که برای ابراهیم و

سارای غیر ممکن بود که بطور طبیعی فرزند داشته باشند چون خیلی پیر بودند، خدا يك پسر به نام اسحاق به آنها داد (پیدایش ۱:۲۱-۳). خدا قول خودش را نگاه داشت. وقتی خدا ابراهیم را بعد از چند سال آزمایش کرد و به او گفت اسحاق را قربانی کند. ابراهیم حاضر شد دستور خدا را اطاعت نماید اگر چه او می دانست که نجات دهنده از نسل اسحاق خواهد آمد. ابراهیم ایمان داشت که حتی اگر اسحاق بمیرد خدا قادر است او را زنده کند (عبرانیان ۱۱:۱۷-۱۹). پیامبر اسحاق نیز خود را به خواست خدا واگذار کرد. وقتی خدا ایمان و اطاعت ابراهیم و اسحاق را دید او می توانست آنها را مانع کند و بفرستد خانه ولی در عوض خدایک جانشین (یک گوسفند نر) دیگر به جای اسحاق تهیه کرد (پیدایش ۲۲:۱۲-۱۳). خداوند قادر مطلق این کار را با پیامبران خود انجام داد تا به تمام مردم نشان دهد که او در آینده برای گناهکاران با قربانی نجات دهنده موعود نجات می فرستد. خدا دستور داده بود که اسحاق باید بمیرد. هما بطور تمام مردم دنیا باید بخاطر گناهان خودشان بمیرند. خداوند مداخله کرد و برای اسحاق جانشینی تهیه کرد. گوسفند به جای اسحاق قربانی شد. خدا به ابراهیم و اسحاق

رحم کرد.

یعقوب. پیامبر اسحاق دو فرزند دو قولو داشت، عیسو و یعقوب. یعقوب مانند پدر و پد ر بزرگ خود یاد گرفت که «بدون ریختن خون، هیچ گناهی بخشیده نمی شود» (عبرانیان ۹:۲۲) و او چندین قربانی به خدا تقدیم کرد. خداوند قول خود را به پیغمبر یعقوب تکرار کرد: «تمام مردم زمین توسط او و نسل او برکت خواهند یافت» (پیدایش ۲۸:۱۳-۱۴). این دوباره اشاره ای بود به نجات دهنده موعود.

یهودا. پیامبر یعقوب ۱۲ پسر داشت. یکی از آنها یهودا بود. یهودا يك بار گناه بزرگی کرد و با يك فاحشه خوابید که واقعاً زن بیوه پسرش بود. آنها دو پسر دو قولو داشتند. نام فرزند جوانتر زارح بود. یهودا تشخیص داد که اشتباه کرده و بخشش بزرگ خدا را تجربه کرد. خدا یهودا را برکت داد اگرچه یهودا لیاقت برکت خداوند را نداشت. خدا یهودا و فرزندش زارح را انتخاب که جد نجات دهنده موعود باشند. تمام مردم روی زمین از طریق این نجات دهنده برکت خواهند یافت.

یوسف. یازدهمین پسر پیامبر یهودا یوسف بود. یوسف شخص دوم در دولت مصر شد. خدا از یوسف استفاده کرد تا مصریها و مردم دیگر خانواده خود را نجات دهد. خانواده یوسف (قوم اسرائیل) به مصر تغییر مکان دادند.

موسی. بعد از آنکه یعقوب مرد، مصریها مردم اسرائیل را برده کردند. موسی وقتی نوزاد بود از مرگ نجات یافت (خروج ۲: ۴-۶). خدا از پیامبر موسی در سن ۸۰ سالگی استفاده کرد و مردم اسرائیل را از مصر بیرون آورد به زندگی آزادی. موسی همچنین آموخت که خدا را باید اکیداً اطاعت و اعتماد کرد برای اینکه او هستم عظیم است و او بخشنده و فیض بخش است نسبت به آنانی که به او ایمان دارند.

عید پسخ. مصریها چندین خدایپرستش می کردند و فرعون حتی خود را خدا گمان داشت. این برای خداوند تحمل ناپذیر بود و او مصریها را با ۱۰ بلای ترسناک قضاوت کرد. از این بلاها بود که یهودیها و مصریها یاد

گرفتند که قادر مطلق هستم نجات می دهد آنانی را که به او ایمان دارند و فقط او خدا هست.

دهمین و آخرین بلا مرگ پسران ارشد هر خانه ای که از دستورات خدا پیروی نکردند بود. آن دستورات آن بود که بره ای را قربانی کنند و خون آنها را روی تیرهای عمودی دو طرف در و سر درخانه خود بپاشند (خروج ۱۲). کسی که دستورات خدا را اطاعت کرد، فرشته مرگ از خانه او گذشت و فرزند ارشد آن خانواده کشته نشد. بره به جای آن پسر قربانی شد. این بره تصویری بود از نجات دهنده موعود / بره خداوند: مردی بدون عیب که در زمان معین کشته شد و استخوانهایش شکسته نشد.

ده فرمان. بعداً خدا ده فرمان را به موسی داد (بعلاوه چندین قوانین دیگر) برای قوم اسرائیل که مطابق آنها زندگی کنند و از خدا اطاعت کنند. ولی هیچ کس نمی توانست تمام دستورات را اطاعت کند و از اینقرار روش قربانی حیوانات بطور محکم برای پوشش گناهان مردم برقرار شد. بطوریکه يك نفر احتیاج ندارد گناهان خود را با مرگ پرداخت کند.

«بدون ریختن خون، هیچ گناهی بخشیده نمی شود» (عبرانیان ۹:۲۲).

داود. خداوند قادر مطلق پیامبر داود را که یکی از نسل مستقیم یهودا بود پادشاه اسرائیل انتخاب کرد. او مرد قوی خدا و رهبر خوبی برای اسرائیل بود اگر چه او خدا را خیلی غمگین کرد به دلیل گناهان خیلی بدی که مرتکب شد، خدا او را بخشید برای اینکه او بطور واقعی توبه کرد. با وجود این به خاطر آن گناهان داود در تمام عمر ضرر دید و رنج کشید. خداوند قادر مطلق داود را محبوب دل خود صدا کرد. خدا او را قادر کرد که چندین اشعار زیبا در کتاب مزامیر بنویسد. بعضی از آن اشعار پیشگو یهای بودند از نجات دهنده موعود که از نسل داود و فرزندش سلیمان بود و او را اغلب «فرزند داود» صدا می زدند.

مسیح (نجات دهنده موعود). بعد از اینکه چند صد سال گذشت، بعضی

از مردم خدا را پرستش کردند و بعضی از مردم او را رد کردند. اما چون روزی که خدا تعیین کرده بود فرا رسید او فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات دهد و بهای آزادی ما را از قید اسارت شریعت بپردازد و

ما را فرزندان خدا بگرداند (غلاطیان ۴: ۴-۵). همانطور که خدا قول داده بود مسیح از نسل پیامبر یهودا بود. او از مادر باکره متولد شد. او پدر انسانی نداشت و او هیچ زمانی گناه نکرد در زمان اعلان کردن تولد او گروه بیشماری از فرشتگان آسمانی به چوپانان نمایان شدند و خدا را ستایش کردند و گفتند «خدا را در آسمانها جلال باد و بر زمین، در میان مردمی که خدا را خشنود می سازند آرامش و صفا برقرار باد» (لوقا ۲: ۸-۱۴). چند مجوس ستاره شناس از مشرق زمین به اورشلیم آمده بودند تا مسیح را پرستش کنند (متی ۲: ۱-۲). پیامبر میکاه چندین سال قبل پیشگویی کرده بود که بیتالحم محل تولد مسیح خواهد بود و او از ازل بوده است (میکاه ۵: ۲).

چند سال بعد خداوند عیسی مسیح گفت که معبد خانه پدرش است. این یعنی اینکه او خود را فرزند خدا بیان کرد. و وقتی عیسی غسل تعمید شد، پیامبر یوحنا اعلان کرد: «عیسی مسیح همان بره ای است که خدا فرستاده تا برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود» (یوحنا ۱: ۲۹). یوحنا گفت این همان کسی است که گفت بعد از او می آید

ولی مقامش از او بالاتر است چون قبل از او وجود داشته است
(یوحنا ۱: ۳۰). خدا خودش از آسمان سخن گفت: «این فرزند عزیز من
است که از او خشنودم» (متی ۳: ۱۶-۱۷).

پیامبر یوحنا به مردم نشان داد که خداوند عیسی مسیح نجات دهنده
موعود بود (کسی که گناهان مردم دنیا را می بخشد). او گفت که عیسی
قبل از او ازلی زندگی می کرد. فقط خداوند ازلی و ابدی زندگی می کند.
یوحنا گفت, «من شهادت می دهم که او فرزند خداست» (یوحنا ۱: ۳۴).

عیسی هر نوع مریضی و بیماری را شفا می داد. او مردمی را که کور و
کر و لال و فلج و جذامی بودند شفا می داد. او مرده ها را زنده می کرد.
او معجزه کرد و يك مقدار خیلی کم نان و ماهی را به آن قدر تبدیل کرد که
بیش از ۵۰۰۰ نفر را غذا داد. او طوفانها را آرام می کرد و دیوها را از
مردم بیرون می کرد. هیچ پیامبر دیگری اینقدر معجزه انجام نداد و
زندگی بی نظیری مانند زندگی خداوند عیسی مسیح نداشت.

دريك مكالمه با یکی از روحانیون بزرگ یهود به نام نيقوديموس , عیسی به او گفت: «اگر تولد تازه پیدا نکنی , هرگز نمی توانی ملکوت خدا راببینی. این که می گویم عین حقیقت است. تاکسی از آب و روح تولد نیابد نمی تواند وارد ملکوت خدا شود.» (یوحنا ۳: ۳, ۵). عیسی نیز به او گفت: «زیرا بقدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است , تاهر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد» (یوحنا ۳: ۱۶). عیسی توضیح داد که کسانی که به او (پسر خداوند) ایمان بیاورند هیچ محکومیت و هلاکتی درانتظارشان نیست , ولی کسانی که به او ایمان نیاورند , از هم اکنون محکوم اند چون به یگانه فرزند خدا ایمان نیاورده اند (یوحنا ۳: ۱۸).

وقتی يك خانم کردی می خواهد به فرزندش بگوید که او را خیلی دوست دارد به او می گوید «ئَنشالاہ ئہز گوری ته بم.» که یعنی خواست خدا باشد من قربانی تو می شوم. همانطور خدا می گوید به مردمی که دوست دارد (ب شما) من (ب تمام دنیا) خداوند گفت «ئَنساالاه ئہز قویانا ته بم.» و بعد واقعاً این کار را انجام داد! عیسی (بره بی گناه خدا؛ فرزند

خدا) برای شما ومن قربانی شد که ما را از گناهانمان نجات دهد.

همانطور که شما می بینید که خداوند عیسی همان مسیح است، نجات دهنده موعود. او انجام داد آنکه پیامبران درباره او پیشگویی کرده بودند. او همان بره ای است که خدا فرستاده تا برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود (یوحنا ۱: ۲۹). عیسی فرمود که «راه منم، راستی منم، زندگی منم. هیچ کسی نمی تواند به خدا برسد مگر بوسیله من (یوحنا ۱۴: ۶).

عیسی راه است. فقط از راه اعتماد مطیع به عیسی و قبول کردن قربانی شدن او در روی صلیب برای گناهان ما است که از گناهانمان و از پرداخت بدهی آنها نجات داریم.

عیسی راستی است. عیسی از خدا است. او کلمه ابدی خدا است که يك مرد شد و در میان ما زندگی کرد.

عیسی زندگی است. از طریق ایمان به عیسی مسیح و زنده شدن او از مرده، ما می توانیم زندگی ابدی در بهشت داشته باشیم (بجای آنکه در جهنم تا ابد مجازات شویم).

«خداوند قادر مطلق، من می بینم که چطور داستانهای پیامبران اشاره می کنند بر زندگی و مرگ و زنده شدن عیسی مسیح. من می فهمم که چون از نسل آدم هستم، یک گناهکاری هستم که سزاوار مجازات است. لطفاً به من کمک کن که درک کنم که از راه ایمان مطیع به خداوند عیسی مسیح - مرگ او را روی صلیب برای گناهان من قبول کنی. و بعد از آنکه بدن جسمی من بمیرد من می توانم تا ابد در بهشت با تو زندگی کنم. من این را به نام عیسی دعا می کنم. آمین.»